

کاوشی در احادیث مهدوی



عقیده به مهدویت از امور مسلم و قطعی در تاریخ و کلام اسلامی است. جملگی مسلمانان اعم از شیعه و سنی به «مهدی موعود» باور دارند. در این شکی نیست. نقطه التقا و اصطکاک بین دو مذهب شیعه و سنی در مورد «مهدویت» در تولد آن حضرت است.

عقیده به مهدویت از امور مسلم و قطعی در تاریخ و کلام اسلامی است. جملگی مسلمانان اعم از شیعه و سنی به مهدی موعود؛ باور دارند. در این شکی نیست. نقطه التقا و اصطکاک بین دو مذهب شیعه و سنی در مورد مهدویت؛ در تولد آن حضرت است. حسن عاشوری لنگرودی در شماره ی 74 فصلنامه ی کوثر نوشت: اکثر عالمان اهل سنت و جماعت بر این باورند که مهدی موعود؛ هنوز متولد نشده است، لیکن شیعه امامیه می‌گوید: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری(ع) است و او در سال 255 هجری در سامرا متولد شده است و در پس پرده غیبت زندگی می‌کند و روزی به امر خداوند ظهور خواهد کرد.

این سخن تمامی شیعیان امامیه است و بسیاری از دانشمندان نامدار اهل سنت نیز این سخن را پذیرفته و در کتاب هایشان متذکر شده‌اند. از جمله:

– ابوطالب کمال الدین محمد بن طلحه شافعی قرشی در کتاب «مطالب السؤل»؛

– علی بن محمد ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمة»؛

– شبلنجی در «نورالابصار»؛

– ابن حجر شافعی هیتمی مصری در «الصواعق المحرقة»؛

– ابن خلکان در «وفیات الاعیان»؛

– محمد امین بغدادی در «سبائک الذهب»؛

– عبدالوهاب شعراوی شافعی مصری در «الیواقیت و الجواهر فی بیان عقاید الاکابر»؛

– ابوالصلاح حلبی در «شذرات الذهب«؛

– شمس الدین ذهبی در «العبر فی خبر من غیر«؛

– گنجی شافعی در «کفایة الطالب«؛

– شمس الدین یوسف بن قزعلی بغدادی حنفی، معروف به سبط بن جوزی در کتاب «تذکره خواص الامة«؛

– محیی الدین ابن العربی در «الفتوحات المکیة«؛

– حافظ محمد بخاری، معروف به خواجه پارسای حنفی در «فصل الخطاب«؛

– حافظ محمد بن ابی الفوارس در «اربعین«؛

– عبدالحق دهلوی بخاری در «مناقب«؛

– سید جمال الدین عطاء الله محدث در کتاب «روضه الاحباب«؛

– بلاذری در «مسلسلات«؛

– شهاب الدین هندی، معروف به ملک العلماء در «هدایة السعداء«؛

– فضل بن روزبهان در شرح «الشمایل ترمذی«؛

- قندوزی بلخی در «ینابیع المودة«:

- عبد الرحمان جامی در «نفحات«:

- ابوالعالی محمد سراج الدین رفاعی در «صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمية الاخیار«:

- یوسف بن یحیی شافعی در «عقد الدرر فی ظهور المنتظر«:

- شیخ عبدالله بن محمد مطیری شافعی در «ریاض الزاهرة« [1]:

بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده‌اند که در کتاب‌های خویش ولادت امام مهدی (عج) را متذکر شده‌اند. [2]

مهدویت در اسلام

در زمره باورهای اسلامی، باور به مهدویت است. بحث مهدویت در دو عنوان «مهدویت عامه« و «مهدویت خاصه« دنبال می‌شود.

الف) مهدویت عامه

مهدویت عامه، یعنی اثبات این که باور به ظهور «مهدی موعود« در زمره باورهای اسلامی به شمار می‌آید. در اینجا سخن در اثبات این ادعا است که با توجه به منابع معرفتی در اسلام به ظهور منجی بشریت یا «مهدی موعود« بشارت داده شده است.

در قرآن مهدویت در حول سه محور بیان شده است، بدین شرح:

1. حکومت صالحان و وراثت زمین

قرآن می‌گوید: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الرُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) [3]؛ [171] پس از تورات نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند؛

خداوند بزرگ در این آیه با تأکید فراوان وعده داده است که در آینده، حکومت صالحان تحقق می‌یابد و بندگان صالح و شایسته خداوند وارثان زمین خواهند بود. در روایت آمده است که امام باقر(ع) فرمود: [171]؛ هم اصحاب المهدی؛ [4] اینها یاران (امام) مهدی(عج) هستند؛

2. ظهور حق و غلبه دین

قرآن می‌گوید: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) [5]؛ [171]؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت (و دلایل آشکار) و دین حق فرستاده است تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان از آن ناخشنود باشند؛

این وعده خداوندی در پرتو حکومت امام مهدی (عج) محقق می‌شود. امام صادق(ع) فرمود: [171]؛ والله ما نزل تأويلها بعد، و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم(عج) فاذا خرج القائم(عج) لم يبق كافر بالله العظيم و لا مشرك بالامام الا كره خروجه حتى لو كان كافراً او مشركاً في بطن صخرة قالت: يا مؤمن في بطنى كافر فاكسرنى واقتله؛ [6] به خدا سوگند، تأویل این آیه بعد از ظهور امام

مهدی(عج) حاصل می‌شود. آن گاه که حضرت ظهور کند کافری و مشرکی باقی نمی‌ماند...—0

فخر رازی در تفسیرش از—171#—سده نقل می‌کند که این آیه مربوط به بعد از قیام مهدی است و در این زمان فردی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه به اسلام گرویده باشد.[7]

3. استخلاف

قرآن می‌گوید: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا [8];—171#— خداوند به کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را به یقین خلیفه روی زمین گرداند؛ آن گونه که به پیشینیان آنان خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است پا بر جا و ریشه دار سازد، و بیم و ترس آنان را به آرامش و امنیت مبدل کند؛ آن چنان می‌شود که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نخواهند داد.—

همان گونه که طبرسی در تفسیر این آیه بیان داشته است: از اهل بیت پیامبر(ص) روایت شده است که این آیه درباره مهدی از آل محمد(ص) است.[9]

امام سجاد(ع) فرمود: —171#—هم والله شیعتنا اهل البيت؛ يفعل الله ذلك بهم على يدى رجل منا و هو مهدى هذه الامة و هو الذى قال رسول الله(ص) لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يلى رجل من عترتى، اسمه اسمى، يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛[10] به خدا سوگند آنان شیعیان اهل بیت پیامبرند، خداوند توسط اینها و به دست مهدی این امت این وعده را محقق می‌گرداند. همان مهدی‌ای که پیامبر(ص) فرمود: اگر عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا مردی از عترتم که اسم او اسم من است، بیاید و زمین را پر از عدل و قسط کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.—

کوتاه سخن اینکه این امور سه گانه غلبه دین، وراثت زمین و استخلاف هنوز به طور کامل محقق نشده است. اینها در پرتو حکومت مهدی موعود محقق می‌گردد. این آیات قرآنی بدون اینکه نامی از مهدی موعود برده باشد، به حکومت و ظهور آن حضرت اشاره دارد.

مهدی در روایات

دربار؟ مهدی موعود، روایات منقول از پیامبر، عترت و صحابه به قدری زیاد است که جای هیچ گونه شک و تردیدی در آن باقی نمی‌ماند. بسیاری از صحابه پیامبر(ص) از جمله 171#&علی بن ابی طالب«؛، عثمان بن عفان«؛، طلحة بن عبدالله«؛، عبدالرحمان بن عوف«؛، عبدالله بن عباس«؛، عمار بن یاسر«؛، عبدالله بن مسعود«؛، ابو سعید خدری«؛، عبدالله بن حارث«؛، قره بن ایاس مزنی«؛، حذیفه بن یمان«؛، جابر بن عبدالله«؛، جابر بن ماجد«؛، عبدالله بن عمر«؛، انس بن مالک«؛، عمران بن حصین«؛ و 171#&ام سلمة«؛ روایات مربوط به مهدی موعود را از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند. [11]

منصور علی ناصف نویسنده کتاب 171#&التاج الجامع للاصول«؛ می‌نویسد:

171#&در میان همه دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که در آخر الزمان به طور یقین مردی از اهل بیت: ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد، و همه مسلمانان از او پیروی می‌کنند و در میان آنها عدالت را اجرا می‌نماید و دین را تقویت می‌کند«؛. سپس افزود: 171#&احادیث مهدی را گروهی از اصحاب خوب پیامبر(ص) نقل کرده‌اند و بزرگان محدثین مانند 171#&ابی داوود«؛، ترمذی«؛، ابن ماجه«؛، طبرانی«؛، ابی یعلی«؛، امام احمد«؛ و 171#&حاکم نیشابوری«؛ آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند[12].

خلاصه آنکه اعتقاد به مهدویت از ضروریات دین اسلام است و هیچ یک از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی نمی‌توانند آن را انکار کنند. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پیامبر(ص) فرمود: 171#&من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد: [13] هر که ظهور مهدی را انکار کند، اسلام را انکار کرده است.«؛

بنا به نوشت؟ مؤلف کتاب 171#&منتخب الاثر«؛ بیش از 657 روایت درباره مهدی موعود وارد شده است. [14] اینک به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر(ص) فرمود: 171#&ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلزال فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً [15]؛ شما را بشارت می‌دهم به مهدی که در امت من برانگیخته می‌شود. هنگامی که اختلافات و دگرگونی‌ها در بین مردم فراوان شود، پس زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور گردید«؛.

نیز فرمود: 171#&لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج رجل من ولدی فیملأها عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً [16]؛ اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند تا مردی از فرزندان من قیام نماید و دنیا را از عدل و قسط پر کند؛ همان گونه که با جور و ستم پر شده است.«؛

در روایات پیامبر(ص) افزون بر بشارت به ظهور مهدی به برخی از ویژگی‌های آن حضرت نیز اشاره شده است؛ از جمله اینکه فرمود:

«مهدی از فرزندان فاطمه است»[17]

«اسم او اسم من است»[18]

«کنیه او کنیه من است»[19]

افزون بر این بسیاری از ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) در روایات بیان شده است که این روایات در مهدویت خاصه بیان می‌شود.

ب) مهدویت خاصه

مهدویت خاصه به این معنا است که آن مهدی موعود و مورد بشارت پیامبر(ص) و جامه عمل پوشاننده به وعده الهی در مورد
«استخلاف»[17]، «حکومت صالحان»[18]، و «ظهور حق و غلبه دین اسلام»[19]؛ که در قرآن اشاره
شده است آن فرد، فرزند امام حسن عسکری(ع) است. او در سال 255 هجری در «سامرا»[20] متولد شد و اکنون از
دیدها پنهان است. و روزی به امر خداوندی ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و قسط پر می‌کند.

اینک در بحث مهدویت خاصه در پی اثبات این امر هستیم.

مبانی مهدویت خاصه

برای اثبات مهدویت خاصه بیان یک سری اموری که به عنوان مبانی مهدویت خاصه مطرح است، ضروری است. این مبانی بدین شرح است:

1. ضرورت وجود امام

در زمره باورهای دینی ما مسلمانان باور به [#171](#) ضرورت وجود امام [»](#); در همه زمان‌ها است. این سخن، هم از راه عقل مدلل و مبرهن می‌گردد و هم از راه نقل و روایت. عقل می‌گوید: نبوت و امامت یک فیض معنوی است، این فیض در میان امت‌های پیشین وجود داشت، تا رسید به زمان پیامبر اسلام (ص). حال سخن در این است که آیا با رحلت نبی مکرم اسلام (ص) آن فیض معنوی قطع شد یا نه؟ اگر بگوییم: قطع شد، در این صورت این اشکال وجود دارد که چرا چنین فیضی را خداوند به امت‌های پیشین داد، ولی به امت اسلامی نداده است؛ مگر امت اسلامی از نظر استعداد و لیاقت از پیشینیان کمتر است؟! به طور قطع و یقین می‌گوییم: کمتر نیست، بلکه بالاتر است. پس چرا این فیض از امت اسلامی قطع گردید؟

پاسخ درست به این سؤال این است که این فیض قطع نشده است. شیعه امامیه می‌گوید: بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) دوازده وجود نورانی و گوهر امامت؛ یعنی امامان معصوم، متصدیان این فیض بزرگ معنوی هستند، با این تفاوت که در زمان پیامبر (ص) ارتباط به صورت نبوت بود ولی بعد از پیامبر اسلام که خاتم پیامبران است و سلسله پیامبران به پایان رسیده است، این فیض به صورتی دیگر مطرح است. وجود انسان کامل واسطه فیض خداوندی است. فیض معنوی بعد از پیامبر از طریق وجود کامل امام برقرار است. امروزه آن واسطه فیض، وجود مقدس امام مهدی (عج) می‌باشد.

این برهان با روایاتی که می‌گویند: در هر عصری باید امامی باشد و مسلمانان آن امام را باید بشناسند تا در زمره مسلمانان و دینداران قرار گیرند، تقویت می‌شود.

در احادیث نبوی با تعبیرات گوناگون آمده است که باید در هر زمان امامی باشد و بر مسلمانان امام‌شناسی فرض است. فرمود:

[#171](#); من مات بغير امام مات ميتة جاهلية؛ [20] هر که بمیرد بدون آنکه امامی داشته باشد، به مرگ جاهلی مرده است [»](#);

نیز فرمود: [#171](#); انّ الحجة لا يقوم لله على خلقه الاّ بامام حتى يعرف؛ [21] حجّت بر مردم برپا نمی‌شود، مگر توسط امامی که آن

امام علی (ع) فرمود: «لا تخلو الارض من حجة ظاهر او خائف مغمور؛ [22] زمین از حجت (و امام) خالی نمی‌شود، چه امامتش آشکار باشد و چه مخفی و مقهور»؛

2. پذیرش روایات مربوط به امامان اثناعشر

روایات نبوی مربوط به ائمه اثناعشر مورد پذیرش همه مذاهب اسلامی است. شیعه و سنی این سخن را پذیرفته‌اند که رسول گرامی اسلام (ص) بارها از دوازده امام بعد از خود سخن بر زبان جاری نمود و آن هم با الفاظ گوناگون.

آن حضرت گاه می‌فرمود: بعد از من دوازده «امیر» هستند. [23]

و گاهی از دوازده «نقیب» سخن به میان می‌آورد. [24]

و گاهی دوازده «خلیفه» را مطرح می‌کرد. [25]

و گاهی از واژه دوازده «وصی» بهره می‌گرفت. [26]

و گاهی هم از دوازده «امام»؛ [27]

دوازده «ولی»؛ [28]

دوازده «قیم»؛ [29]

از مجموع این تعبیرات یک نکته استفاده می‌شود و آن این است که باید بعد از پیامبر دوازده شخصیت متعالی و برگزیده مسئولیت امامت و رهبری دینی و سیاسی امت اسلامی را برعهده گیرند و این دوازده شخصیت پیوسته و پشت سر هم تا پایان عمر جهان و #&171;؛ اشراف ساعت&[30;] وجود دارند.

3. پذیرش امامت امامان اثنا عشر از طریق نصب

بعد از پذیرش امامت عامه، پذیرش امامت خاصه در مهدویت نقش دارد؛ یعنی قبل از اینکه به مهدی موعودی - که شیعه او را فرزند امام حسن عسکری (ع) می‌داند - باور داشته باشیم، باید به امامت امامان اهل البیت؛ - یعنی امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام علی بن الحسین (ع)، امام محمد بن علی (ع)، امام جعفر بن محمد (ع)، امام موسی بن جعفر (ع)، امام علی بن موسی (ع)، امام محمد بن علی جواد (ع)، امام علی بن محمد هادی (ع) و امام حسن بن علی عسکری (ع) - به ترتیب پذیرا باشیم.

نیز باید بپذیریم که این امامان اهل بیت از طریق نصب و جعل الهی و با اعلان و بیان پیامبر (ص) به امامت منصوب شدند.

آخرین گوهر امامت فرزند امام حسن عسکری (ع) محمد بن حسن المهدی (عج) می‌باشد.

پیامبر (ص) در آغاز دعوت همگانی، آن گاه که از سوی خدای بزرگ مأموریت یافت و خویشاوندان خویش را در یک جلسه به اسلام دعوت کرد و در این دعوت امام علی (ع) به دعوت رسول خدا لبیک گفت، پیامبر (ص) امامت علی (ع) را برای زمان بعد از خود مطرح کرد و در طول بیست سال بعد از آن بارها از امامت حضرت علی (ع) خبر داد.

حضرت آخرین سال زندگی‌اش بعد از حجةالوداع فرمود: «#171;من كنت مولاه فهذا علي مولاه» [32] هر که من مولای اویم، پس از من علی مولای اوست».

نیز آن گاه که آیه ولایت [33] نازل شد پیامبر فرمود: «#171;هم خلفایی یا جابر و ائمة المسلمین من بعدی، اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن، ثم الحسين ثم علی بن الحسين، ثم محمد بن علی... ثم الصادق جعفر بن محمد، ثم موسی بن جعفر، ثم علی بن موسی، ثم محمد بن علی، ثم علی بن محمد، ثم الحسن بن علی، ثم سمی و کنی حجة الله فی ارضه و بقیته فی عباده ابن الحسن بن علی» [34]؛ ای جابر! آنان جانشینان من هستند، و بعد از من پیشوایان مسلمانانند؛ اولین آنان علی بن ابی طالب، پس از آن به ترتیب حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی...، جعفر بن محمد صادق، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی می‌باشند، سپس کسی که همنام و هم کنیه من و باقی‌مانده خدا در بین بندگان، پسر حسن بن علی (عسکری) امام و پیشوای مسلمانان است.

4. پذیرش روایات غیبت و ویژگی‌های امام مهدی (عج)

یکی دیگر از مبانی پذیرش مهدویت، پذیرش روایات مربوط به غیبت امام مهدی (عج) است. از زمان پیامبر (ص) به بعد هر یک از بزرگان آن خاندان به نوبت از ولادت، ویژگی‌ها، غیبت و ظهور امام مهدی (عج) از پیش خبر داده‌اند.

در روایت جابر که بیان شد، پیامبر فرمود: بعد از حسن بن علی (امام عسکری (ع)) پسرش امام است. اسمش، اسم من است و کنیه‌اش، کنیه من است. او کسی است که خداوند به دست او مشارق و مغارب زمین را می‌گشاید. او کسی است که از اولیائش غایب می‌شود، غیبت او به قدری طولانی است که بسیاری مردّد می‌شوند. تنها قلب‌های امتحان شده، به آن ثابت و پایدار می‌مانند. [35]

به نوشته مؤلف کتاب «#171;منتخب الاثر»؛ فراوانی و گستردگی روایات مربوط به مهدی موعود و ویژگی‌های آن حضرت و اینکه او از دیده‌ها پنهان می‌شود، بدین شرح است:

– در 58 روایت آمده است که امامان دوازده نفرند و اوّل آنان علی و آخر آنان مهدی (عج) است.

– در 657 روایت به ظهور حضرت مهدی بشارت داده شده است.

– در 48 روایت آمده است که می‌گوید: نام و کنیه حضرت مهدی، همان نام و کنیه پیامبر(ص) است.

– در 214 روایت آمده است که امام مهدی از فرزندان امیرمؤمنان علی(ع) است.

– در 192 روایت آمده است که حضرت مهدی از فرزندان فاطمه زهرا(س) است.

– در 185 روایت متذکر شده است که مهدی موعود از فرزندان امام حسین(ع) است.

– در 148 روایت بیان شده است که مهدی موعود نهمین فرزند امام حسین(ع) است.

– در 185 روایت آمده است که حضرت مهدی از فرزندان امام زین العابدین، علی بن الحسین(ع) است.

– در 103 روایت امام مهدی از فرزندان امام محمد باقر(ع) معرفی شده است.

– در 103 روایت امام مهدی از فرزندان امام جعفر صادق(ع) معرفی شده است.

– در 101 روایت آمده است که امام مهدی از فرزندان موسی بن جعفر(ع) است.

– در 95 روایت متذکر شده است که امام مهدی چهارمین فرزند امام رضا(ع) است.

- در 90 روایت آمده است که حضرت مهدی سومین فرزند امام جواد(ع) است.

- در 90 روایت بیان شده است که مهدی موعود از فرزندان امام هادی(ع) است.

- در 146 روایت آمده است که امام مهدی(ع) فرزند امام حسن عسکری(ع) است.

- در 147 روایت آمده است که نام پدر امام مهدی(ع) حسن است.

- در 123 روایت آمده است که امام مهدی جهان را پر از عدل و داد می‌گرداند.

- در 91 روایت آمده است که غیبت امام مهدی (عج) طولانی است.

- در 318 روایت آمده است که عمر امام مهدی طولانی است.

- در 47 روایت آمده است که دین اسلام به وسیله امام مهدی جهانی می‌شود و وعده استخلاف صالحان تحقق می‌یابد.

- در 136 روایت آمده است که امام مهدی دوازدهمین و آخرین امام است.

- در 10 روایت آمده است که امام مهدی دو غیبت دارد، غیبت صغرا و غیبت کبرا.

- در 14 روایت آمده است که ولادتش مخفی است.

- در 2 روایت آمده است که اگر از فرزندان پیامبر نام‌های محمد، علی، حسن پیوسته بیایند، چهارمین آن قائم و مهدی موعود است.[36]

برخورد حاکمان عباسی با امامان(ع) متفاوت بود؛ گاهی ظلم آنان محدود بود و گاهی تشدید می‌شد. گاهی حاکمان عباسی با آنان از در دوستی وارد می‌شدند و گاهی در نهایت شدت و دشمنی رفتار می‌کردند.

بعد از جریان ولایتعهدی امام هشتم(ع) و شهادت آن حضرت، عباسیان عرصه را بر امامان تنگ کردند. فشار آنان پیوسته مضاعف می‌شد و آنان امامان را در سنین پایین به شهادت می‌رساندند: امام جواد(ع) را در 25 سالگی، امام هادی(ع) را در 41 سالگی و امام عسکری(ع) را در 28 سالگی به شهادت رساندند. این پدیده از تشدید فشارها و صدمات وارد بر امامان(ع) حکایت می‌کند.

از هنگامی که متوکل عباسی حکومت را در دست گرفت، سیاست ضد علوی تشدید شد. در این دوره، سادات بنی علی، به ویژه سادات بنی فاطمه از هر دوره دیگر بیشتر در تنگنا بودند. متوکل، امام هادی(ع) را به مقر خلافت، (سامرا) فرا خواند و حضرت را از نزدیک تحت نظر قرار داد و به دستور او مأمورانش با شدت تمام ملاقاتی‌های حضرت را کنترل می‌کردند.

در زمان امام عسکری(ع) این محدودیت بیشتر شد.

این فزونی محدودیت و اعمال فشار به دو دلیل انجام می‌شد:

یکی اینکه در این زمان شیعیان از رشد کمی قابل توجهی برخوردار و در منطقه عراق به یک قدرت بزرگ تبدیل شده بودند که حکومت را حق مسلم امامان(ع) می‌دانستند و خلافت عباسیان را نامشروع معرفی می‌کردند. اینها در پی فرصت بودند تا با حاکمان عباسی به نبرد برخیزند. این امر سبب شد که عباسیان فشار را بر شیعیان و به ویژه بر رهبران‌شان بیافزایند.

دوم اینکه طبق اخباری که از سوی پیامبر(ص) و اهل بیتش منتشر شده است، عباسیان می‌دانستند مهدی موعود نابود کننده حکومت‌های فاسد و خودکامه، از نسل امام حسن عسکری(ع) است. به همین جهت آنان پیوسته حضرت و خانواده‌اش را تحت نظر داشتند، تا شاید بتوانند آن فرزند را به چنگ آورند و او را به قتل برسانند. (همانند تلاش بیهوده فرعونیان برای نابودی موسی(ع)).

امام عسکری(ع) به منظور مقابله با این سیاست خطرناک عباسیان، کوشید تا پیروانش بیش از پیش به تقیه و رازداری و پنهانکاری رو آورند و خود نیز به بستگانش دستور داد که ولادت امام مهدی(عج) را افشا نکنند تا دشمن نتواند به هدف شوم خویش نایل شود. این کار اگر چه نقشه شوم عباسیان را خنثی کرد، ولی به ناچار مشکلاتی را برای شیعیان پدید آورد.

پی‌نوشت‌ها

1 . ر.ک: الزام الناصب، علی یزدی حائری، ج 1، ص 321 تا 340؛ دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص 118 تا 120.

2 . مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی، ص 23-39؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص 667.

3 . انبیاء/ 105.

4 . بحارالانوار، ج 9، ص 126.

5 . توبه/33.

6 . ینابیع المودة، قندوزی حنفی، ص 423.

7 . تفسیر کبیر، فخر رازی، ج 16، ص 40.

8 . نور/55.

9 . مجمع البيان، طبرسی، ج 7، ص 152.

10 . همان ج 7 ، ص152 ؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج7، ص 123.

11 . پیام قرآن، ج 9، ص 422.

12 . التاج ، ج5، ص341؛ نقل از همان، ص428.

13 . ینابیع الموده، ص 447.

14 . منتخب الاثر، لطف الله صافی، ص 191 به بعد.

15 . مسند احمد بن حنبل، ج3، ص37.

16 . همان، ص17.

17 . سنن ابی داود، ج 2، ص 207.

18 . سنن ترمذی، ج 2، ص 46.

19 . ینابیع الموده، حنفی قندوزی، ص 495.

20 . مسند احمد بن حنبل، ج 4، ص 96 و ج2، ص 83 و 93؛ صحیح مسلم، ج 3، ص 1478.

21 . اصول کافی، ج 1، ص 135.

22 . نهج البلاغه، کلمات حکمت شماره 147.

23 . صحیح بخاری، ج 4، ص 165.

24 . فتح الباری، ج 16، ص 339.

25 . مستدرک حاکم، ج 3، ص 18.

26 . معالم المدرستین، ج 1، ص 547.

27 . بحارالانوار، ج 36، ص 261.

28 . شرح نووی بر صحیح مسلم، ج 12، ص 202.

29 . کنز العمال، ج 13، ص 27.

30 . همان.

31 . اقتباس از معالم المدرستین، ج 1، ص 534 - 541.

32 . تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج 1، ص 366.

33 . مائده/55.

34 . ینابیع الموده، حنفی قندوزی، ص 494 و 495.

35 . همان، ص 495.

36 . منتخب الاثر، ص 23 - 26.

انتهای پیام